

کیفیت زندگی دانشگاهی دانشجویان

(مطالعه موردی: دانشگاه‌های دولتی شهر تهران)^۱

رضا مهدی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۷/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۱/۲۴

چکیده

این پژوهش باهدف ارزیابی کیفیت زندگی دانشگاهی دانشجویان کارشناسی دانشگاه‌های دولتی وابسته به وزارت علوم در شهر تهران به روش پیمایش، با پرسشنامه محقق ساخته و نظرخواهی از ۵۰۰ نمونه منتخب به صورت شبه تصادفی و نسبی، انجام شده است. برای تعیین روایی پرسشنامه از پرسش‌های آزمون شده در پژوهش‌های مشابه و آراء متخصصان استفاده شده و پایایی آن با استفاده از روش سازگاری درونی و برآورد شاخص آلفای کرونباخ ۲۰ نمونه اولیه در حد ۰/۸۴ تأیید شده است. کیفیت زندگی کل دانشجویان، دانشجویان بومی و دانشجویان غیربومی به طور معنی‌داری به ترتیب کمتر از حد متوسط، کمتر از حد متوسط و در حد متوسط ارزیابی شده است. سه بعد روابط اجتماعی- فرهنگی و اوقات فراغت، محل و شرایط زندگی و فضای عمومی دانشگاه از مؤلفه‌های اصلی افزاینده کیفیت زندگی دانشجویی است. در مقابل، چهار بعد امکانات دسترسی، خدمات ورزشی، رفاهی و تفریحی، سلامت جسمی و امکانات درمانی- پزشکی و بهداشت و کیفیت غذای رستوران‌های دانشجویی از مؤلفه‌های اصلی کاهنده کیفیت زندگی است. به علاوه، سه بعد آموزش و خدمات آموزشی، اعضای

^۱. این مقاله نتیجه طرح پژوهشی مقایسه‌ی کیفیت زندگی دانشجویان بومی و غیر بومی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران در سال ۱۳۹۲-۹۳ می باشد.

^۲. استادیار گروه آینده‌پژوهی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

هیئت علمی و رشد فردی و چشم انداز و آینده شغلی، در سطح متوسط گزارش شده است. برای مقابله با برخی چالش های نظام آموزش عالی نظیر انگیزه یادگیری، کیفیت، بومی گزینی، جامعه پذیری، فعالیت بین المللی و جذب دانشجویان خارجی باید اهتمام به کیفیت زندگی دانشگاهی دانشجویان یکی از محورهای قانونی حکمرانی علمی، سیاست گذاری، برنامه ریزی و مدیریت مالی، کالبدی و تشکیلاتی نظام آموزش عالی، دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی کشور باشد.

واژگان کلیدی:

آموزش عالی، دانشگاه، کیفیت زندگی دانشگاهی، چالش های آموزش عالی، رضایت دانشجویان.

مقدمه

کیفیت زندگی به عنوان احساس رضایت کلی افراد از زندگی، از ابعاد و مؤلفه‌های مختلفی تشکیل می‌شود. در زندگی دانشگاهی، تمامی عوامل و متغیرهای مؤثر بر زندگی در طول سال‌های تحصیل و حضور در دانشگاه به عنوان اجزای تشکیل دهنده کیفیت زندگی دانشگاهی، مدنظر می‌باشند. کیفیت زندگی دانشگاهی دارای وجوه و ابعاد متعدد آموزشی، پژوهشی، جسمی، روانی، فرهنگی - اجتماعی، رفاهی، تفریحی، اقتصادی و آینده رشد فردی، است (یو دونگ و گریس^۱، ۲۰۰۸: ۲۸۵-۲۶۹). کیفیت زندگی دانشگاهی علائم ویژه‌ای از میزان رضایت دانشجویان از دانشگاه و زندگی دانشجویی است. بر مبنی پژوهش‌های انجام شده نظیر بنجامین^۲ (۱۹۹۴: ۲۶۴-۲۰۵)، سیرجی^۳ و همکاران (۲۰۰۰: ۳۱۶-۲۷۹) و صادقی (۱۳۹۲: ۳۷-۲۵) میزان رضایت دانشجویان از زندگی دانشگاهی، تأثیر زیادی بر کیفیت یادگیری آن‌ها و ارتقای کیفیت نظام دانشگاهی و آموزش عالی دارد. از سوی دیگر، نتایج برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بومی یا غیربومی بودن دانشجویان در سطح رضایت آن‌ها از زندگی دانشجویی مؤثر است (سلطانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۵-۲۵).

برآیند مطالعات و تجربه زیسته پژوهشگر نشان می‌دهد که یادگیری و رفتار دانشجوی راضی بهتر بوده و دانشجویان راضی میان همسالان خود انرژی مثبت ایجاد می‌کنند، دانشجویان راضی فعال‌ترند. درواقع، دانشجوی فعال با احتمال بیشتری در دوران تحصیل و بعد از آن، موفق خواهد بود. با توجه به نقش و جایگاه دانشجویان در آینده جامعه، ایجاد زمینه و بستر مناسب برای تحصیل و زندگی تحصیلی آن‌ها، توسعه و بالندگی جامعه را به دنبال خواهد داشت. در ایران و اغلب کشورهای جهان، نظام‌های پیرامونی دانشگاه و آموزش عالی، در ارائه تسهیلات، خدمات و فرصت‌های پیشرفت به دانشجویان، کارکرد و عملکرد مناسبی ندارند. این ناکارآمدی، مسائلی برای دانشجویان ایجاد کرده و ضمن ایجاد نارضایتی از زندگی تحصیلی، فرایند یادگیری و جامعه‌پذیری دانشجویان را مختل می‌کند. کافی و همکاران (۱۳۷۷)، نصری (۱۳۸۰)، جمالی (۱۳۸۱) و امیدیان (۱۳۸۵) زندگی دانشجویی را دوره تنش‌زا و محیط دانشگاهی را محیطی تنش‌زا معرفی کرده و ارتقای سطح عواملی که سبب ارتقای کیفیت

¹ Yu Dong & Grace

² Benjamin

³ Sirgy

زندگی و سطح سلامت دانشجویان می‌شود را مهم دانسته‌اند (به نقل از سلطانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۵-۲۵).

در سال‌های اخیر سیاست آموزش عالی بین‌المللی^۱ مورد توجه سیاست‌گذاران و مدیران نظام آموزش عالی است که در موفقیت این سیاست، کیفیت زندگی تحصیلی و امکان رقابت با نظام‌های آموزش عالی جهان دارای جایگاه ویژه‌ای است. درواقع، تحقق سیاست آموزش عالی بین‌المللی دست‌کم منوط و مشروط به تأمین رضایت و ارتقای کیفیت زندگی دانشگاهی است. جالب است به‌عنوان نمونه اشاره شود که مطالعه معارف وند (۱۳۹۲) نشان می‌دهد که کیفیت زندگی دانشگاهی دانشجویان خارجی دانشگاه شهید بهشتی از مطلوبیت لازم برخوردار نمی‌باشد. همچنین، چالش و مسئله کیفیت یکی از مسائل اساسی آموزش عالی ایران است. عوامل متعددی در ارتقای کیفیت آموزش عالی مؤثرند (یمنی، ۱۳۹۱) که با هر نگاه و رویکردی قطعاً دانشجو در محور کیفیت آموزش عالی است. در این مقاله، کیفیت زندگی دانشگاهی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران به روش پیمایش مطالعه و ارزیابی شده است. بر اساس این مطالعه، نظام آموزش عالی ایران از منظر کیفیت زندگی دانشگاهی دانشجویان با چالش‌های مهمی مواجه است که برای مقابله اصولی با این چالش‌ها باید کیفیت زندگی دانشگاهی در مرکز سیاست‌گذاری‌های آموزش عالی قرار گیرد.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی درباره کیفیت زندگی دانشگاهی دانشجویان انجام شده است. این پژوهش‌ها عمدتاً بر اساس مبانی حوزه سلامت و پزشکی و با به‌کارگیری معیارهای سازمان جهانی بهداشت، انجام شده است. برهمنی (۱۳۷۸) در پژوهش جامعی بر روی ۳۷۰۰ دانشجوی دانشگاه‌های علوم پزشکی، کیفیت زندگی، نگرش دینی، وضعیت اجتماعی-اقتصادی و عملکرد تحصیلی دانشجویان را مطالعه کرده است. این مطالعه نشان می‌دهد که کیفیت زندگی حدود نیمی از دانشجویان در حد متوسط یا کمی بهتر از آن است. حدود ۲۵٪ از دانشجویان از نظر کیفیت زندگی در آن‌چنان شرایط نارسایی به سر می‌برند که نیازمند تغییر جدی هستند. یافته‌های تحقیق کاویانی و همکاران (۲۰۰۸) در دانشگاه شیراز نشان داده است

^۱ Higher Education Internationalization

که دانشجویان مقیم در خوابگاه‌ها، دیدگاه منفی‌تری نسبت به کیفیت زندگی دانشگاهی دارند. نیری و حاج باقری (۱۳۸۵) تأثیر تن آرامی بر تنش و کیفیت زندگی دانشجویان مقیم خوابگاه‌های دانشجویی را مطالعه کرده‌اند.

بر اساس یافته‌های پژوهش سلطانی و همکاران (۱۳۸۹) که با استفاده از پرسشنامه سازمان جهانی بهداشت^۱ بر روی دانشجویان دانشگاه گیلان انجام شده است کیفیت زندگی دانشجویان بومی از کیفیت زندگی دانشگاهی دانشجویان غیربومی بالاتر است، اما این تفاوت معنی‌دار نیست. از نظر آن‌ها اختلاف‌های فرهنگی موجود بین دانشجویان غیربومی و دوری از خانواده و فقدان حمایت، از عوامل مؤثر بر کاهش کیفیت زندگی دانشجویان مقیم خوابگاه است. تحصیلات دانشگاهی به واسطه کاهش حمایت اجتماعی به سبب دوری از خانواده و بر اساس مدل آسیب‌پذیری- تنش^۲، دختران دانشجو را بیش از دانشجویان پسر آسیب‌پذیر می‌کند. صرف‌نظر از عوامل محیطی نظیر آلودگی صوتی، ترافیک و آلودگی هوا و ازدحام، توجه کمی به تأثیرات مستقیم طراحی محیطی بر سلامت افراد انجام شده است. از این‌رو، به باور سلطانی و همکاران (۱۳۸۹)، محیط خوابگاه به صورت بالقوه بر سطوحی از فشار روانی دانشجویان ساکن خوابگاه و در نتیجه سلامت روانی آنان تأثیرگذار است. آخرین پژوهش‌های انجام شده در ایران درباره کیفیت زندگی تحصیلی متعلق به فلاحی (۱۳۹۲) و معارفوند (۱۳۹۲) است. این مطالعات همسو با منطق و الگوی مطالعات سیرجی و همکاران (۲۰۰۷ و ۲۰۱۰) انجام شده است. در این پژوهش‌ها، بعد ذهنی کیفیت زندگی دانشجویان مطالعه شده است. بر اساس مطالعه معارفوند (۱۳۹۲)، کیفیت زندگی تحصیلی دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی از مطلوبیت لازم برخوردار نمی‌باشد و به‌غیراز دو عامل اعضای هیئت‌علمی و رضایت عمومی، تمامی مؤلفه‌های کیفیت زندگی تحصیلی شامل برنامه درسی، پژوهش، خدمات فرهنگی، ورزشی، خدمات پزشکی و مشاوره، تجهیزات علمی، تسهیلات مالی، تغذیه، خوابگاه دانشجویی، انسجام اجتماعی، مسیر پیشرفت از کیفیت لازم برخوردار نمی‌باشد. به علاوه، این مطالعه نشان می‌دهد که کیفیت زندگی دانشگاهی دانشجویان خارجی مطلوب نیست.

^۱ WHOQOL-BREF

^۲ Diathesis-stress model

سیرجی و همکاران (۲۰۰۷) مطالعات انجام شده در زمینه کیفیت زندگی دانشجویان را به سه طبقه (برهه) تقسیم کرده‌اند. طبقه نخست، بررسی رابطه کیفیت زندگی دانشجویان با عواملی نظیر شخصیت، سلامت و محیط. نتایج حاصل از این مطالعات نشان می‌دهد که کیفیت زندگی با عواملی همچون سلامت و شخصیت افراد و تأثیر رویدادهای روزانه در ارتباط است. طبقه دوم، اقتباس از مقیاس‌های اندازه‌گیری کیفیت زندگی و انطباق آن با محیط‌های دانشگاهی برای مطالعه کیفیت زندگی دانشجویان در مقیاس وسیع نظیر مطالعه کوهن و همکاران با استفاده از منشور یادگیری بلوم^۱، مطالعه کیفیت زندگی عاطفی دانشجویان توسط روبرتس و کلیفتون^۲، یا مقیاس ارزشیابی سلامت سبک زندگی دانشجویان توسط ویتمر و سوونی^۳، و مقیاس اندازه‌گیری سبک زندگی و رضایت دانشجویان توسط دیش و همکاران است. دسته سوم، طراحی و تهیه مقیاس‌های اندازه‌گیری کیفیت زندگی دانشگاهی است. در مجموع، بر اساس تحقیقات سیرجی و همکاران، کیفیت زندگی دانشگاهی دانشجویان با ابعاد و عوامل زیادی مرتبط می‌باشد که مهم‌ترین آن‌ها رضایت از تسهیلات و خدمات دانشگاه و ابعاد و جنبه‌های آموزشی و اجتماعی است.

مبانی نظری پژوهش

جستجوها نشان می‌دهد که نظریه ویژه‌ای برای ارزیابی کیفیت زندگی دانشگاهی و تحصیلی دانشجویان وجود ندارد. این تحقیق، با تأثیرپذیری از سایر پژوهش‌ها، با اقتباس از تجربه و رویکرد مطالعات سیرجی و همکاران (۲۰۱۰) انجام شده است. مشابه با مفهوم عمومی کیفیت و با توجه به سنجش کیفیت زندگی دانشگاهی دانشجویان از منظر بعد ذهنی و تلقی میزان رضایت دانشجویان به مثابه کیفیت زندگی دانشگاهی، می‌توان بخشی از مبانی نظری این تحقیق را به نظریه تسری (توسلی، ۱۳۷۴) نسبت کرد (سیرجی و همکاران، ۲۰۰۷، فلاحی، ۱۳۹۲ و شیخی، ۱۳۸۹). بر اساس این نظریه، رضایت از زندگی دانشگاهی، ترکیبی از رضایت از ابعاد و مؤلفه‌های مختلف محیط دانشگاهی بوده و رضایت از هر یک از بخش‌های زندگی تحصیلی بر رضایت از سایر بخش‌ها و کلیت رضایت از زندگی دانشگاهی مؤثر است. سیرجی

^۱ Bloom/B.

^۲ Roberts/L. and Clifton/R.

^۳ Witmer/J.M. and Sweeney/T.J.

و همکاران (۲۰۱۰) و فلاحتی (۱۳۹۲) نشان داده‌اند که رضایت از تسهیلات و خدمات دانشگاه بر رضایت از ابعاد علمی و اجتماعی دانشگاه مؤثر بوده و رضایت از ابعاد علمی و اجتماعی موجب رضایت از کلیت زندگی دانشگاهی می‌شود. همچنین، سلطانی و همکاران (۱۳۸۹) دریافته‌اند که عوامل و مؤلفه‌های مختلف کیفیت زندگی دارای همبستگی مثبت معنی‌دار با یکدیگرند.

به‌علاوه، بر اساس دیدگاه یونسکو رویکرد حاکم بر این مطالعه، نگرش سیستمی است. کیفیت زندگی دانشگاهی دانشجویان به‌عنوان یک عنصر از یک سیستم پویا در نظر گرفته می‌شود. در این رویکرد، ابعاد و عوامل زیادی در کیفیت زندگی دانشگاهی مؤثر است. روابط عوامل و مؤلفه‌های زندگی دانشگاهی به‌صورت سلسله‌مراتبی و شبکه‌ای و برآیند کیفیت هر یک از این عوامل و مؤلفه‌ها می‌تواند به‌صورت هم‌افزا^۱ کیفیت زندگی دانشگاهی دانشجویان را تعیین و تفسیر کند. مبنای نظری دیگر برای کیفیت زندگی دانشگاهی، توجه هم‌زمان به رویکرد عاملیت انسانی و رویکرد ساختاری نظام دانشگاهی است. رویکرد عاملیتی برای عاملیت دانشجو نقش محوری قائل بوده و معتقد است که کیفیت زندگی بیشتر ناظر بر ذهنیات، قابلیت‌ها و توانمندی‌های دانشجویان است (غفاری و امیدی، ۱۳۹۰: ۱۱). از جنبه نظری، عاملیت و ساختار، موردتوجه‌گیدنز^۲ است. هدف‌گیدنز از مبحث عاملیت و ساختار، پیوند دادن ایده کنش انسانی با تبیین ساختاری در تحلیل اجتماعی است. در فلسفه‌های اجتماعی، کنش و ساختار واژه‌های متضادی قلمداد می‌شوند که گیدنز سعی کرده آن‌ها را باهم ربط داده و نظریه متعادل‌نویسی ارائه دهد. از نظر گیدنز نمی‌توان ادعا کرد که ساختار، کنش را تعیین می‌کند یا بالعکس (گیدنز، ۱۳۸۴). در رویکرد عاملیت انسانی، رویکردهای نیاز محور در حوزه مطالعات کیفیت زندگی بسیار رایج است. از میان این رویکردها نظریه نیازهای انسانی (دانشجویان) برای مطالعه کیفیت زندگی دانشگاهی دانشجویان جامعیت و تناسب بیشتری دارد. نظریه نیازهای انسانی، سطح بالاتری از تأمین نیازهای انسانی است (دویال و گوف^۳، ۱۹۹۱). دویال و گوف نیازها را به دو نوع اساسی و ثانویه دسته‌بندی کرده‌اند. نیازهای اساسی شامل سلامت فیزیکی (بهبودی فیزیکی، روانی و اجتماعی) و خودمختاری در عمل است.

^۱ Synergic

^۲ Anthony Giddens

^۳ Doyal and Gough

نیازهای ثانویه شامل تغذیه، محیط تحصیل، محیط زیست، مراقبت بهداشتی و درمانی، روابط معنای دار، امنیت فیزیکی، امنیت اقتصادی، آموزش مناسب و نظایر آن‌هاست. در کیفیت زندگی دانشگاهی نیازهای انسانی می‌تواند با توجه به رسالت و اهداف آموزش عالی، دانشگاه و دانشجویان، شامل نیازهای علمی و آموزشی، تغذیه، اسکان، کالبد و فضای دانشگاه، بهداشت و درمان، ارتباط با دیگران، مورد توجه قرار گرفتن، رشد فردی و تأمین آینده، امکانات و تسهیلات زندگی موقت دانشجویی و نظایر آن‌ها باشد.

بر اساس رویکرد ساختاری، کیفیت زندگی دانشگاهی دانشجویان یک مفهوم کامل و جامع بوده و تمامی بخش‌ها، ابعاد و عوامل مؤثر بر آن مورد توجه قرار می‌گیرند. در این رویکرد، دانشگاه و کیفیت زندگی دانشگاهی به عنوان یک کلیت تعریف می‌شود. همچنین، کیفیت زندگی دانشگاهی دانشجویان فراتر از مفهوم نیازها بوده و در ارتباط با فرایندها و پیامدهای خودمختاری و تحقق فردی قابل طرح است. کیفیت زندگی دانشگاهی وابسته به مناسبات، روابط و پیوندهای مشترک اجتماعی بوده و مستقل از وابستگی بین عوامل و بخش‌های مختلف زندگی دانشگاهی، نمی‌باشد. در رویکرد ساختاری به کیفیت زندگی، مدیریت کیفیت جامع زندگی دانشگاهی مورد توجه می‌باشد. مدیریت کیفیت جامع یک فلسفه مدیریتی مبتنی بر بهبود مستمر است که مشتری‌گرایی، بهبود مستمر فرایندها، مشارکت و یادگیری اجتماعی است (شیبا و همکاران، ۱۹۹۳). در این رویکرد، همه عوامل مرتبط با کیفیت زندگی دانشگاهی نظیر اعضای هیئت علمی، عوامل آموزشی، عوامل اجتماعی، امکانات و تسهیلات، کالبد و فضای دانشگاه و دانشکده و نظایر این‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. با ترکیب این عوامل، مدل مفهومی پژوهش طراحی شده است. درواقع، سطح کیفیت زندگی دانشگاهی دانشجویان، حاصل جمع سطح رضایت دانشجویان از هر یک از عوامل سازنده مدل مفهومی پژوهش شامل اعضای هیئت علمی، عوامل آموزشی، عوامل اجتماعی- فرهنگی، امکانات و تسهیلات، کالبد و فضای عمومی پردیس دانشگاهی، رشد فردی و آینده شغلی، وضعیت اسکان و اقامت و معاشرت و همزیستی دانشجویان با یکدیگر است.

روش تحقیق

این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر جمع‌آوری داده‌ها پیمایشی و از نظر تحلیل داده‌ها توصیفی-تحلیلی است. بر اساس داده‌های پیمایش، سطح کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاهی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران، بررسی و تحلیل شده است. بر مبنای مؤلفه‌های مدل مفهومی پژوهش شامل اعضای هیئت علمی، عوامل آموزشی، عوامل اجتماعی-فرهنگی، امکانات و تسهیلات، کالبد و فضای عمومی پردیس دانشگاهی، رشد فردی و آینده شغلی، وضعیت اقامت و معاشرت دانشجویان با یکدیگر، یک پرسشنامه محقق ساخته به تفکیک عوامل و متغیرهای کیفیت زندگی دانشجویی با مقیاس لیکرت دارای طیف پنج گزینه‌ای شامل خیلی کم معادل ۱، کم معادل ۲، متوسط معادل زیاد و خیلی زیاد معادل ۵، طراحی و تدوین شده است. پس از ارزیابی و تأمین اعتبار و پایایی، این پرسشنامه بین دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران توزیع و پس از تکمیل، جمع‌آوری شده است. داده‌های جمع‌آوری شده یک‌بار به صوت کل برای بررسی کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه‌های شهر تهران مورد استفاده قرار گرفته است. جامعه آماری این پژوهش، تمامی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی بزرگ وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری شهر تهران در مقطع تحصیلی کارشناسی، است. بر اساس جدول مورگان، حداکثر نمونه‌های مورد نیاز در پژوهش حدود ۵۰۰ نمونه برآورد شده است. نمونه‌گیری به صورت تصادفی خوشه‌ای و نسبی انجام شده است. ۵۰۰ نمونه به نسبت دانشجویان هر دانشگاه از مجموع کل دانشجویان دانشگاه‌های شهر تهران، از هر دانشگاه انتخاب شده است (جدول ۱).

جدول ۱- ترکیب دانشجویان دانشگاه‌های جامعه هدف پژوهش (جامعه و نمونه)

دانشگاه	تعداد دانشجویان دوره کارشناسی	تعداد نمونه‌های منتخب برای این پژوهش
الزاهرا (س)	۵۷۶۹	۶۰
تهران	۱۹۹۳۱	۱۰۰
شهید بهشتی	۶۷۵۶	۵۰
امیرکبیر (پلی تکنیک)	۵۸۹۴	۵۰
خواجه نصیرالدین طوسی	۳۹۸۶	۴۰
صنعتی شریف	۵۷۷۱	۵۰
علامه طباطبائی (ره)	۱۰۶۶۷	۶۰
علم و صنعت ایران	۷۲۲۱	۵۰
هنر	۲۴۶۹	۴۰

برای ساختن پرسشنامه از دو روش استفاده شده است. روش اول، نتایج مطالعه مبانی نظری کیفیت زندگی تحصیلی دانشجویان و مدل مفهومی پژوهش که بر اساس این مبانی، عوامل، مؤلفه‌ها و شاخص‌های کیفیت زندگی دانشگاهی شناسایی و تدوین شده است. بر اساس این روش، مشخص شده است که چه داده‌هایی باید از جامعه آماری تحقیق، گردآوری و تحلیل شود. روش دوم، بررسی روش‌ها و ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها در تحقیقات مشابه بوده است. اکثر پژوهش‌های مشابه دارای ابزار مناسبی برای گردآوری داده‌های این تحقیق نداشته‌اند. دو پژوهش جالب‌توجه برای اقتباس در زمینه روش‌ها و ابزارهای گردآوری داده‌های پژوهش، مطالعه سیرجی و همکاران (۲۰۱۰) و پژوهش فلاحتی (۱۳۹۲) است. بنابراین، در این پژوهش از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. این پرسشنامه دارای ۶۵

سؤال (گویه) راجع به مؤلفه‌ها و سنجه‌های سازه کیفیت زندگی دانشگاهی دانشجویان است. از روش اعتبار محتوا برای افزایش اعتبار پرسشنامه استفاده شده است. در این روش، ضوابطی جهت سنجش اعتبار وسیله اندازه‌گیری بکار می‌رود که نظر متخصصان از جمله مهم‌ترین آن‌هاست. ضوابطی که در مطالعه حاضر از اعتبار محتوای ابزار اندازه‌گیری بکار گرفته شده‌اند عبارت‌اند از:

۱. استفاده از پرسش‌های آزمون شده در پژوهش‌های مشابه،
۲. نظرخواهی از صاحب‌نظران و متخصصان در خصوص کیفیت زندگی دانشگاهی دانشجویی.

در این پژوهش برای سنجش پایایی داده‌ها از روش سازگاری درونی و مهم‌ترین شاخص آن یعنی آلفای کرونباخ استفاده شده است. برای این کار ۲۰ پرسش‌نامه در مرحله پیش‌آزمون بین ۲۰ نمونه توزیع و نتایج آن از طریق نرم‌افزار SPSS استخراج شده است. با توجه به ضرایب حاصل شده نتیجه‌گیری شده است ابزار پژوهش ابزاری پایا و اعتماد پذیر است. پایایی کل پرسشنامه در حد ۸۴٪ بوده و مناسب و قابل اعتماد برای گردآوری داده‌های پیمایش است.

یافته‌های پژوهش

حاصل پردازش داده‌های پیمایش با نرم‌افزار SPSS نشان می‌دهد که از کل ۶۶۰ نفر دانشجوی (نمونه آماری)، ۲۱۹ نفر دانشجوی بومی شهر تهران و ۲۳۹ نفر دانشجوی غیربومی در حال تحصیل در شهر تهران و از این تعداد ۲۰۶ نفر مرد و ۲۵۲ نفر زن هستند. در مجموع، ۲۲۳ نفر از دانشجویان از گروه فنی - مهندسی، ۳۶ نفر علوم پایه، ۱۴۷ نفر علوم انسانی، ۴۷ نفر هنر و ۷ نفر از گروه زبان‌های خارجی می‌باشند. به علاوه، ۲۳۵ نفر از دانشجویان با والدین خود (عموماً غیربومی)، ۱۷ نفر با همسر، ۳ نفر با اقوام، ۱۹۰ نفر در خوابگاه و ۱۵ نفر در خانه مجردی یا با دوستان خود زندگی می‌کنند.

نتایج نهایی سطح کیفیت زندگی تحصیلی دانشجویان دانشگاه‌های مورد مطالعه به تفکیک ابعاد و مؤلفه‌های سازه کیفیت زندگی دانشگاهی به شرح جداول ۲، ۳ و ۴ ارائه شده است. همچنین که جدول ۲ نشان می‌دهد میانگین کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران (نمونه‌های آماری) ۱۷۴/۶۹ می‌باشد. با توجه به وجود ۵ گزینه پاسخ و ۶۰ گویه در پرسشنامه

کیفیت زندگی، میانگین رضایت از کیفیت زندگی دانشجویان ۲/۹۱ می‌باشد. این عدد تقریباً به نزدیک به متوسط (۳) می‌باشد. طبق داده‌های پرسشنامه حداکثر کیفیت زندگی ۳۰۰ (یعنی ۶۰ ضرب در ۵) و حداقل ۶۰ (یعنی ۶۰ ضرب در ۱) می‌باشد که در اینجا بیشترین کیفیت زندگی ۲۷۲ و کمترین ۷۱ محاسبه شده است. همچنین، طبق داده‌های گزینه‌های پاسخ، حداکثر ۵ و حداقل آن ۱ می‌باشد که در اینجا بیشترین ۴/۵۳ و کمترین ۱/۱۸ به دست آمده است. به طور کلی کیفیت زندگی تحصیلی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران تقریباً در حد متوسط برآورد شده است.

جدول ۲- کیفیت زندگی تحصیلی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران

کیفیت زندگی تحصیلی	تعداد نمونه	میانگین	انحراف استاندارد	بیشینه	کمینه
کل	۴۶۰	۱۷۴/۶۹	۳۷/۷۸	۲۷۲	۷۱
متوسط	۴۶۰	۲/۹۱	۰/۶۲	۴/۵۳	۱/۱۸

نتیجه آزمون تی تک نمونه‌ای (جدول ۳) نشان می‌دهد میانگین کیفیت زندگی تحصیلی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران با میانگین نظری کیفیت زندگی (ارزش آزمون برابر با ۳) در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار می‌باشد. به عبارتی، کیفیت زندگی دانشجویان به طور معنی‌دار کمتر از حد متوسط برآورد می‌شود. در این آزمون میانگین نظری^۱ (ارزش آزمون) برابر با ۳ (متوسط اعداد گزینه‌های پاسخ) در نظر گرفته شده است.

^۱ t value

جدول ۳- نتیجه آزمون تی تک نمونه‌ای

متغیر	مقدار تی	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین‌ها	فاصله اطمینان ۰/۹۵	
					سطح پایین	سطح بالا
کیفیت زندگی	-۳/۰۰۷	۴۵۸	۰/۰۱	-۰/۰۸	-۰/۱۴	-۰/۰۳

همچنان که جدول ۴ و نمودار ۱ نشان می‌دهند سه بعد روابط اجتماعی- فرهنگی و اوقات فراغت، محل و شرایط زندگی و فضای عمومی دانشگاه‌ها از مؤلفه‌های اصلی افزایش‌دهنده کیفیت زندگی تحصیلی دانشجویان می‌باشد. در مقابل، چهار بعد امکانات حمل‌ونقل و دسترسی به دانشگاه، خدمات ورزشی، رفاهی و تفریحی، سلامت جسمی فردی و امکانات درمانی دانشگاه‌ها و بهداشت و کیفیت غذای رستوران‌های دانشگاه‌ها از عوامل و مؤلفه‌های اصلی کاهش‌دهنده کیفیت زندگی تحصیلی دانشجویان و نارضایتی آن‌هاست. همچنین، سه بعد دیگر سازه کیفیت زندگی شامل آموزش و خدمات آموزشی، اعضای هیئت علمی و رشد فردی و چشم‌انداز و آینده شغلی، وضعیت متوسط دارند.

جدول ۴- سطح کیفیت زندگی دانشجویان

دانشجویان غیر بومی	دانشجویان بومی	کل دانشجویان	میانگین	ابعاد کیفیت زندگی
نسبتاً راضی	ناراضی	در حد متوسط	۳,۰۵	آموزش و خدمات آموزشی
نسبتاً راضی	نسبتاً راضی	در حد متوسط	۲,۹۳	اعضای هیئت علمی
ناراضی	ناراضی	پایین تر از حد متوسط	۲,۳۶	امکانات رفت و آمد و دسترسی به دانشگاه
راضی	راضی	بالتر از حد متوسط	۳,۲۸	روابط اجتماعی- فرهنگی و اوقات فراغت
راضی	راضی	بالتر از حد متوسط	۳,۱۶	محل و شرایط زندگی
ناراضی	ناراضی	پایین تر از حد متوسط	۲,۵۷	خدمات ورزشی، رفاهی و تفریحی دانشگاه
ناراضی	ناراضی	در حد متوسط	۳,۰۱	رشد فردی و چشم انداز و آینده شغلی
راضی	ناراضی	بسیار پایین تر از حد متوسط	۱,۵۶	سلامت جسمی و امکانات درمانی دانشگاه
بسیار راضی	بسیار راضی	بالتر از حد متوسط	۳,۳۰	فضای عمومی دانشگاه
ناراضی	ناراضی	پایین تر از حد متوسط	۲,۷۵	بهداشت و کیفیت غذای رستوران‌ها



نمودار ۱- سطوح کیفیت زندگی دانشجویان در ابعاد مختلف زندگی تحصیلی

بحث بر روی مؤلفه‌ها و ابعاد سازه کیفیت زندگی دانشجویان

در این بخش، با استناد به جداول ۲ و ۴ و مبانی نظری پژوهش، وضعیت هر یک از مؤلفه‌های سازه کیفیت زندگی تحصیلی دانشجویان و سطح رضایت آن‌ها در هر یک از ابعاد کیفیت زندگی دانشجویان، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

کلیت کیفیت زندگی دانشجویان. بر اساس تحلیل داده‌های این تحقیق، کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران تقریباً در حد متوسط گزارش شده است. همچنین، میانگین کیفیت زندگی دانشجویان بومی و غیربومی دارای اختلاف معنی‌داری با یکدیگر بوده و کیفیت زندگی تحصیلی دانشجویان غیربومی از کیفیت زندگی دانشجویان بومی بالاتر است. این نتیجه با یافته سلطانی و همکاران (۱۳۸۹: ۲۵-۳۵) ناهم‌سو است. مطالعه سلطانی و همکاران نشان می‌دهد که کیفیت زندگی حدود ۳۸ درصد از دانشجویان دانشگاه گیلان مطلوب و کیفیت زندگی ۶۲ درصد از دانشجویان این دانشگاه متوسط و پایین‌تر است. آن‌ها نشان داده‌اند که کیفیت زندگی دانشجویان بومی بالاتر کیفیت زندگی دانشجویان

غیربومی است. البته، تفاوت کیفیت زندگی دانشجویان بومی و غیربومی دانشگاه گیلان معنی دار نبوده است. به نظر می‌رسد دلیل بالا بودن کیفیت زندگی دانشجویان غیربومی نسبت به دانشجویان بومی، حضور دانشجویان غیربومی در کلان‌شهر تهران و تحصیل در یکی از بهترین دانشگاه‌های دولتی شهر تهران باشد. زندگی در مرکز کشور و قبولی در یک دانشگاه معتبر، احساس یک برد را در زندگی دانشجویان غیربومی ایجاد کرده و قطعاً این احساس در پاسخ آن‌ها به سؤالات پرسشنامه تحقیق تأثیرگذار بوده است. چراکه بر اساس تعریف این پژوهش، کیفیت زندگی تحصیلی، احساس رضایت دانشجو از کلیت زندگی دانشگاهی است و بر اساس نظریه تسری^۱، رضایت از یک بخش زندگی می‌تواند به سایر بخش‌ها تسری یافته و رضایت از کل زندگی را افزایش دهد. همچنین، دلیل دیگر رضایت دانشجویان غیربومی از زندگی تحصیلی در تهران می‌تواند به سطح توقعات آن‌ها از زندگی وابسته باشد. شهرستان‌ها به‌طور عام و روستاها به‌طور خاص، امکانات، خدمات و تسهیلات زندگی کمتری نسبت به کلان‌شهر تهران داشته و رضایت از زندگی دانشگاهی در شهر تهران در کل می‌تواند بالاتر از شرایط زندگی قبل از دانشگاه (دوره مدرسه و دبیرستان) باشد.

همچنین، پژوهش برهمنی (۱۳۷۸) در دانشگاه‌های علوم پزشکی نشان داده است که کیفیت زندگی حدود نیمی از دانشجویان در حد متوسط و یا کمی بهتر از آن است و حدود ۲۵٪ از دانشجویان علوم پزشکی از نظر کیفیت زندگی در شرایط نامطلوبی هستند.

در بررسی کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه‌های شهر اردبیل (محمدی و همکاران، ۱۳۹۰) مشخص شده است که کیفیت زندگی دانشجویان در حد متوسط بوده و کمتر از سطح کیفیت زندگی عموم جامعه است. بر اساس مطالعه معارفوند (۱۳۹۲) کیفیت زندگی تحصیلی دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی از مطلوبیت لازم برخوردار نمی‌باشد. بنابراین، نتایج این پژوهش با نتایج برخی از پژوهش‌های دیگر همسو بوده و نشان می‌دهد که زندگی تحصیلی دانشجویان از کیفیت لازم برخوردار نمی‌باشد. از این‌رو، تلاش برای ارتقای کیفیت زندگی تحصیلی دانشجویان در ابعاد ذهنی و عینی می‌تواند یک سیاست و برنامه کلان آموزش عالی و نظام دانشگاهی باشد. چراکه، جامعه می‌خواهد سرنوشت خود را به دست افرادی واگذار کند

^۱ Spill-over Theory

که از کیفیت زندگی مطلوب برخوردار نبوده و از شرایط و آمادگی کمتری برای توسعه جامعه برخوردارند. سیاست‌گذاران نظام علمی، آموزشی و فرهنگی، باید تدبیر کنند.

مؤلفه آموزش و خدمات آموزشی. دانشجویان از آموزش و خدمات آموزشی دانشگاه‌های محل تحصیل خود راضی نیستند. همچنین، بر اساس نتایج این تحقیق می‌توان گفت که دانشجویان بومی در مقایسه با دانشجویان غیربومی، انتظار و توقع بیشتری از آموزش و خدمات آموزشی دانشگاه‌ها دارند. با توجه به تنوع فرهنگی، سطح توسعه‌یافتگی و امکانات آموزشی دبیرستان‌های شهرستان‌ها بالاتر بودن رضایت دانشجویان غیربومی از آموزش و خدمات آموزشی دانشگاه‌ها نسبت به رضایت دانشجویان بومی، نتیجه دور از انتظاری نیست. دانشگاه‌های شهر تهران باید در ارزیابی سطح آموزش و خدمات آموزشی، انتظارات و سطح رضایت دانشجویان بومی را مدنظر قرار دهند.

مؤلفه اعضای هیئت علمی. میزان رضایت دانشجویان از اعضای هیئت علمی در حد متوسط گزارش شده است. در مطالعه معافوند (۱۳۹۲) رضایت دانشجویان ایرانی و خارجی دانشگاه شهید بهشتی از اعضای هیئت علمی، مطلوب ارزیابی شده است. نتیجه این تحقیق با یافته مطالعه معافوند ناهم‌سو می‌باشد. یکی از دلایل این تفاوت، جامعه آماری دو تحقیق است. جامعه تحقیق معافوند، دانشجویان تمامی مقاطع تحصیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری و جامعه این تحقیق فقط دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران می‌باشد. با توجه به نقش اعضای هیئت علمی در سازندگی و تربیت دانشجویان و سهم آن در کیفیت زندگی تحصیلی آن‌ها دانشگاه‌ها باید تمرکز بیشتری بر روی اعضای هیئت علمی داشته و سهم آن‌ها را در کیفیت زندگی دانشگاهی دانشجویان افزایش دهند.

مؤلفه امکانات رفت‌وآمد و دسترسی‌ها. دانشجویان از امکانات حمل‌ونقل و دسترسی به پردیس‌های دانشگاهی ناراضی هستند. به عقیده کنی و همکاران (۱۹۹۱)، کافی و همکاران (۱۹۹۵) و شاکری نیا (۲۰۰۹) رفت‌وآمد زیاد برای دانشجویان غیربومی می‌تواند عامل تنش‌زا برای دانشجویان باشد (به نقل از سلطانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۵-۲۵). یکی از عوامل کاهش سلامت روان دانشجویان غیربومی رفت‌وآمد از محل زندگی خانواده به دانشگاه محل تحصیل عنوان شده و فشار روانی، مشکلات جسمی و اجتماعی بیشتری برای دانشجویان غیربومی

گزارش شده است. دانشجویان بومی به دلیل سکونت در کنار خانواده و حمایت‌های روحی و فردی خانوادگی و نیز مواجهه کمتر با تنش‌های رفت‌وآمد، دچار مشکلات کمتری بوده و تطابق بیشتری در مواجهه با عوامل تنش‌زای محیطی دارند. نتیجه این تحقیق با نتایج تحقیقات فوق، ناهم‌سو می‌باشد. دلایل اصلی این ناهم‌سویی با عامل شلوغی و وضعیت ترافیکی کلان‌شهر تهران قابل ارزیابی است. دانشجویان غیربومی که اکثر آن‌ها (حدود ۸۰٪) در خوابگاه‌های دانشجویی سکونت دارند کمتر با مشکلی به‌عنوان رفت‌وآمد و دسترسی به دانشگاه مواجه‌اند. در عوض، دانشجویان بومی کلان‌شهر تهران روزانه مسافت‌های طولانی را در شلوغی و ترافیک سنگین شهر طی کرده و هزینه زیادی بابت حضور در دانشگاه محل تحصیل خود صرف می‌کنند.

مؤلفه محل و شرایط زندگی. دانشجویان از محل و شرایط زندگی خود رضایت دارند. نتیجه این تحقیق با یافته مطالعات معارفوند (۱۳۹۲) و سلطانی و همکاران (۱۳۸۹: ۳۵-۲۵) در زمینه خوابگاه‌های دانشجویی همسو است. در پرسش‌های میدانی این تحقیق نیز دانشجویان غیربومی در زمینه خوابگاه‌های دانشجویی چهار مشکل اصلی را برجسته کرده‌اند: ۱. کمبود ظرفیت خوابگاه‌های دانشجویی، ۲. شرایط نامناسب برخی خوابگاه‌های دانشجویی، ۳. کمبود سرویس‌های حمل‌ونقل جهت سهولت جابجایی دانشجویان، ۴. فاصله زیاد خوابگاه‌های دانشجویی از دانشگاه. این مشکلات در مطالعه آراسته (۱۳۸۱) نیز به‌نوعی موردتوجه قرار گرفته است. وی معتقد است خوابگاه‌های دانشجویی نقش و اهمیت زیادی در ارتقای کیفیت یادگیری و تجارب زندگی داشته و دانشگاه‌ها باید اهمیت زیادی به خوابگاه‌ها و نقش آن‌ها در فرایند یادگیری و جامعه‌پذیری دانشجویان بدهند. اغلب خوابگاه‌های دانشجویی در بیرون از محیط دانشگاه‌ها مستقر شده و عمدتاً محل‌هایی برای تعاملات اجتماعی بوده و فلسفه جوامع یادگیری در خوابگاه‌ها کمتر موردتوجه است. خوابگاه‌های دانشجویی باید تا حد ممکن در محیط دانشگاه و باهدف ایجاد جوامع یادگیری در رشته‌های یکسان و مشابه ایجاد شوند. دانشجویان خوابگاهی از اوقات فراغت بیشتری نسبت به دانشجویان دیگر برخوردارند که شیوه پر کردن این اوقات بسیار مهم است. ایجاد مکان‌های مناسب ورزشی به‌ویژه برای دانشجویان زن خوابگاهی می‌تواند یکی از عوامل کلیدی ارتقای کیفیت زندگی دانشجویان غیربومی باشد. با توجه به مؤلفه کلی رضایت از محل و شرایط زندگی در شهر تهران، نتایج

این تحقیق با نتایج مطالعات معارفوند و سلطانی و همکاران ناهم‌سو است. به عبارتی، درست است که رضایت دانشجویان غیربومی از وضعیت خوابگاه‌های دانشجویی در حد متوسط ارزیابی شده است، اما در مجموع، تفاوت معنی‌داری بین رضایت دانشجویان بومی و غیربومی در بعد محل و شرایط زندگی تحصیلی وجود ندارد.

مؤلفه خدمات ورزشی، رفاهی و تفریحی. ارزیابی دانشجویان از خدمات ورزشی، رفاهی و تفریحی دانشگاه‌ها در سطح پایینی است. مطالعات فلاحتی (۱۳۹۲)، معارفوند (۱۳۹۲) و سلطانی و همکاران (۱۳۸۹) در زمینه خدمات رفاهی نشان می‌دهد که دانشجویان از این خدمات راضی نبوده و توقع خدمات ورزشی، رفاهی و تفریحی بیشتری دارند. نتیجه این تحقیق با یافته فلاحتی، معارفوند و سلطانی و همکاران همسو است. همچنین، در پرسش‌های میدانی این تحقیق، دانشجویان تأکید زیادی بر کمبود خدمات ورزشی، رفاهی و تفریحی دانشگاه‌ها داشته و یکی از عوامل کاهنده کیفیت زندگی تحصیلی را ضعف این خدمات دانسته‌اند. با توجه به شرایط و فضای عمومی دانشگاه‌ها وضعیت دانشجویان زن نامطلوب‌تر از وضع دانشجویان مرد ارزیابی می‌شود. چراکه، در دانشگاه‌های کشور ورزش و تحرک بدنی دانشجویان مرد معمولاً بهتر از دانشجویان زن است. این وضعیت در خوابگاه‌های دانشجویی اهمیت مضاعفی دارد. با توجه به اوقات فراغت زیادتر دانشجویان خوابگاهی، خدمات ورزشی، رفاهی و تفریحی دانشجویان غیربومی دارای اهمیت بیشتری نسبت به دانشجویان بومی است.

مؤلفه رشد فردی و آینده شغلی. رضایت دانشجویان از رشد فردی و چشم‌انداز و آینده شغلی خود در حد متوسط گزارش شده است. مطالعه معارفوند (۱۳۹۲) نشان داده است که دانشجویان مسیر پیشرفت خود را نامطلوب ارزیابی می‌کنند. نتیجه این تحقیق با یافته مطالعه معارفوند همسو می‌باشد. عموماً با توجه به وضعیت بازار کار و بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی که نرخ آن بین ۳۰ تا ۴۰ درصد و بالاتر از نرخ بیکاری در جامعه برآورد می‌شود دانشجویان از رشد فردی و آینده شغلی خود رضایت مطلوبی ندارند. به‌طوری‌که یکی از نگرانی‌های اغلب دانشجویان، نگرانی شغلی است. بدیهی است این دغدغه و نگرانی می‌تواند کیفیت زندگی تحصیلی دانشجویان را کاهش دهد. برای افزایش کیفیت زندگی تحصیلی دانشجویان رفع نگرانی و دغدغه رشد فردی و چشم‌انداز روشن شغلی یکی از مؤلفه‌های

جدی است. با رفع این نگرانی، نه تنها کیفیت زندگی تحصیلی بلکه می توان انگیزه یادگیری و علم‌ورزی دانشجویان را افزایش داد. دانشجویان در پژوهش میدانی این تحقیق نیز ضعف ارتباط دانشگاه با مراکز اشتغال و کارآفرینی را یکی از مشکلات جدی دانشگاه‌ها معرفی کرده‌اند.

مؤلفه سلامت جسمی و امکانات بهداشتی و درمانی. دانشجویان سلامت جسمی و امکانات درمانی دانشگاه‌های محل تحصیل خود را پایین‌تر از حد متوسط ارزیابی می‌کنند. سلطانی و همکاران (۱۳۸۹: ۳۵-۲۵) نشان داده‌اند که سلامت جسمی دانشجویان عموماً در حد متوسط و پایین‌تر از حد متوسط می‌باشد. مطالعات فلاحتی (۱۳۹۲) و معارفوند (۱۳۹۲) نیز نشان می‌دهد که امکانات و خدمات پزشکی و درمانی دانشگاه‌های موردنظر، رضایت‌بخش نمی‌باشد. نتیجه این تحقیق با نتایج مطالعات سلطانی و همکاران، فلاحتی و معارفوند همسو است. سلامت فردی و امکانات درمانی دانشگاه‌ها یکی از مؤلفه‌های نارضایتی جدی دانشجویان از زندگی دانشگاهی است. در بعد سلامت فردی وضعیت دانشجویان زن نامطلوب‌تر از دانشجویان مرد برآورد می‌شود. به‌عنوان مثال، ورزش و تحرک بدنی دانشجویان زن کمتر از دانشجویان مرد بوده و اصولاً محیط‌های دانشگاهی در مقایسه با دانشجویان مرد شرایط مناسب برای سلامت جسمی دانشجویان زن فراهم نمی‌کند. البته، این به معنای مطلوب بودن شرایط برای دانشجویان مرد نمی‌باشد، بلکه موضوع مقایسه جنسیتی است. به درخواست دانشجویان و اعلام نارضایتی معنی‌دار آن‌ها از سلامت جسمی خود و امکانات و خدمات درمانی و پزشکی دانشگاه‌ها برای ارتقای کیفیت زندگی دانشگاهی دانشجویان باید در این زمینه اقدام فوری و جدی کرد. بر اساس معیارهای سازمان جهانی بهداشت یکی از مهم‌ترین سنجه‌های کیفیت زندگی افراد، سلامت جسمی و نداشتن درد و رنجوری است. البته، سلامت جسمی دانشجویان با وضعیت تغذیه آن‌ها در ارتباط است. به‌عنوان مثال، اغلب دانش‌آموزان و دانشجویان با صبحانه میانه خوبی ندارند و عموم دانشجویان به‌ویژه دانشجویان غیربومی، تغذیه مناسب نداشته و میوه و لبنیات به‌اندازه کافی مصرف نمی‌کنند. به‌علاوه، اغلب دانشجویان بالاخص دانشجویان غیربومی به دلایل اشتغالات درسی، کار با رایانه و شب نشینی و ... از خواب مناسب و مکفی که مقدمه و پیش‌نیاز سلامت جسم و روان است برخوردار نمی‌باشند. در پژوهش میدانی این تحقیق نیز یکی از مسائل اساسی مدنظر

دانشجویان، کمبود خدمات درمانی مختص دانشجویان و هزینه‌های بالای این خدمات، ذکر شده است.

مؤلفه تغذیه و بهداشت و کیفیت رستوران‌های دانشجویی. دانشجویان از بهداشت و کیفیت غذا و رستوران‌های دانشجویی دانشگاه‌های محل تحصیل خود ناراضی هستند. مطالعات سلطانی و همکاران (۱۳۸۹) و معارفوند (۱۳۹۲) نشان می‌دهد دانشجویان در زمینه دریافت کالری مکفی و کیفیت تغذیه در شرایط مطلوبی نیستند. نتیجه این تحقیق با نتایج تحقیقات مذکور همسو بوده و حاکی از نارضایتی دانشجویان از بهداشت و کیفیت غذای رستوران‌های دانشگاه‌هاست. این موضوع برای دانشجویان غیربومی اهمیت مضاعفی دارد. چراکه، آن‌ها به سبب زندگی مجردی یا خوابگاهی وابستگی بیشتری به غذای دانشگاه داشته و نامطلوب بودن تغذیه در دانشگاه‌ها می‌تواند زمینه برخی از نارضایتی‌ها و مسائل در زندگی تحصیلی باشد. در پژوهش میدانی این تحقیق نیز کیفیت پایین غذاهای رستوران‌های دانشجویی، از مسائل عمده کیفیت زندگی تحصیلی قیدشده است.

نتیجه‌گیری

در این مطالعه، کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاهی و تحصیلی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی بزرگ تهران از بعد ذهنی و ادراک دانشجویان به روش پیمایش، سنجش و ارزیابی شده است که بر اساس آن، کیفیت زندگی دانشگاهی دانشجویان به‌طور معنی‌دار کمتر از حد متوسط گزارش شده است. به‌علاوه، میانگین کیفیت زندگی دانشگاهی دانشجویان بومی و غیربومی دارای اختلاف معنی‌داری با یکدیگر بوده و کیفیت زندگی دانشجویان غیربومی بالاتر از کیفیت زندگی دانشجویان بومی است. در مجموع، سه بعد از ابعاد کیفیت زندگی تحصیلی شامل روابط اجتماعی- فرهنگی و اوقات فراغت، محل و شرایط زندگی و فضای عمومی دانشگاه‌ها از مؤلفه‌های اصلی افزایش‌دهنده کیفیت زندگی تحصیلی دانشجویان می‌باشد. در مقابل، چهار بعد امکانات حمل‌ونقل و دسترسی به دانشگاه، خدمات ورزشی، رفاهی و تفریحی، سلامت جسمی فردی و امکانات درمانی دانشگاه‌ها و بهداشت و کیفیت غذای رستوران‌های دانشگاه‌ها از عوامل و مؤلفه‌های اصلی کاهنده کیفیت زندگی تحصیلی دانشجویان و نارضایتی آن‌هاست. همچنین، سه بعد دیگر سازه کیفیت زندگی شامل آموزش و خدمات آموزشی، اعضای هیئت‌علمی و رشد فردی و چشم‌انداز و آینده‌شغلی، دارای وضعیت متوسط هستند. با توجه

تأثیر کیفیت زندگی دانشگاهی بر انگیزه یادگیری دانشجویان و جلوگیری از بیگانگی تحصیلی و دانشگاهی آن‌ها لازم است نظام آموزش عالی در سطح کلان و هر یک از دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در سطح خرد، برای جبران کیفیت پایین زندگی دانشگاهی دانشجویان اقدام کنند. کیفیت پایین زندگی دانشگاهی با راهبردها و سیاست‌های امروزی نظام آموزش عالی در ابعاد یادگیری، جامعه‌پذیری، کیفیت، بومی‌گزینی، آموزش عالی بین‌المللی هماهنگ نبوده و موجب چالش‌های جدی برای آموزش عالی است: (۱) چالش یادگیری: برای نظام دانشگاهی و آموزش عالی رضایت دانشجویان مهم و اساسی است. دانشجویان راضی انگیزه بالایی برای یادگیری دارند، بهتر می‌آموزند، بهتر رفتار و عمل می‌کنند، میان سایر دانشجویان و حتی افراد انرژی مثبت ایجاد می‌کنند، فعال‌ترند و انگیزه بیشتری برای فعالیت‌های مدنی دارند. باوجود کیفیت زندگی و سطح رضایت پایین، نباید انتظار داشت که دانشجویان یادگیری خود را تعمیق داده و در فعالیت‌های مدنی، سازنده و فعال عمل کنند. (۲) چالش انتقال فرهنگی و جامعه‌پذیری: دانشجویان راضی و فعال با احتمال بیشتری در دوره تحصیل و زندگی، موفق خواهند بود. ایجاد زمینه مناسب برای تحصیل و زندگی دانشجویان تضمین توسعه و بالندگی جامعه است. انتظار می‌رود که با تأمین رضایت دانشجویان و افزایش کیفیت زندگی دانشگاهی آن‌ها زمینه جامعه‌پذیری دانشجویان و حضور آن‌ها در شئون مختلف جامعه ارتقا یابد. با سطح کیفیت زندگی گزارش‌شده در این مطالعه، کارکرد جامعه‌پذیری دانشجویان دچار اختلال خواهد بود. (۳) چالش کیفیت آموزش عالی: کیفیت یکی از چالش‌ها و مسائل اساسی و زیربنایی آموزش عالی است. با رویکرد سیستمی، عناصر و عوامل متعددی در ارتقای کیفیت آموزش عالی مؤثرند که با هر نگاه و رویکردی قطعاً دانشجو یک عنصر و مؤلفه کلیدی است. دانشجو هم در ارتقای کیفیت به‌عنوان عامل و هم در تأثیرپذیری از کیفیت دارای نقش یگانه‌ای است. لازم است با ارتقای سطح رضایت و کیفیت زندگی دانشگاهی دانشجویان، زمینه و شرایط لازم برای ارتقای کیفیت آموزش عالی فراهم شود. (۴) چالش سیاست بومی‌گزینی دانشجو: در پاسخ به برخی مسائل ناشی از تحصیل در دانشگاه‌های دوردست و غیربومی، سیاست بومی‌گزینی دانشجو در آموزش عالی ایران در حال اجراست. یکی از اهداف سیاست بومی‌گزینی، تأمین رضایت از زندگی و ارتقای کیفیت زندگی تحصیلی دانشجویان است. حتی، هدف سیاست آمایش آموزش عالی و توسعه دانشگاه‌های تک‌جنسیتی افزایش رضایت دانشجویان و ارتقای کیفیت زندگی دانشگاهی آن‌ها از منظر بوم و جنسیت است. نتایج این

تحقیق نشان می‌دهد که در دانشگاه‌های دولتی تهران، کیفیت زندگی تحصیلی دانشجویان غیربومی پایین‌تر از کیفیت زندگی دانشجویان بومی نیست. از این‌رو، ضروری است که سیاست بومی‌گزینی بر اساس موقعیت جغرافیایی دانشجویان و مراکز آموزش عالی تنظیم و عملیاتی شود. اعمال سیاست واحد برای بیش از ۲۰۰۰ واحد آموزش عالی و ۴/۵ میلیون دانشجو نمی‌تواند چندان مثمر ثمر و اثربخش باشد. (۵) چالش آموزش عالی بین‌المللی و فرامرزی: در سال‌های اخیر، به‌ویژه پس از توافق هسته‌ای با قدرت‌های جهانی، سیاست آموزش عالی بین‌المللی و جذب دانشجویان خارجی مورد توجه سیاست‌گذاران و مدیران نظام آموزش عالی قرار گرفته است. در موفقیت این سیاست و جذب و نگهداری دانشجویان خارجی، کیفیت زندگی تحصیلی دانشجویان و امکان رقابت با نظام‌های آموزش عالی جهان دارای جایگاه ویژه‌ای است. نتایج این تحقیق و پژوهش‌های مشابه نشان می‌دهد که در شرایط حاضر، کیفیت زندگی دانشگاهی دانشجویان چندان مناسب و رقابتی نمی‌باشد. نظام حکمرانی علمی و تصمیم‌گیران سطوح مختلف نظام آموزش عالی باید برای رفع معضل کیفیت پایین زندگی دانشگاهی دانشجویان تدبیر کنند.

در مجموع، در میان انواع معیارها و شاخص‌های سیاست‌گذاری نظام آموزش عالی و نهاد پیچیده دانشگاه، معیار کیفیت زندگی تحصیلی دانشجویان به‌مثابه راهنمای هرگونه خط‌مشی‌گذاری و تصمیم‌گیری، تقریباً غایب است. در صورتی که انگیزه یادگیری و جامعه‌پذیری، کیفیت آموزش عالی، سیاست‌های گسترش، بومی‌گزینی، آمایش، تک‌جنسیتی، آموزش عالی بین‌المللی و نظایر این‌ها همگی می‌توانند تحت تأثیر مستقیم و غیرمستقیم معیار کیفیت زندگی تحصیلی دانشجویان باشند. نکته مهم اینکه، در شرایطی که دانشجویان نه دانشگاه بزرگ و برتر پایتخت از زندگی تحصیلی خود رضایت چندانی نداشته و کیفیت زندگی دانشگاهی خود را در حد متوسط ارزیابی می‌کنند، باید در کیفیت زندگی دانشگاهی دانشجویان دانشگاه‌های دیگر به‌ویژه دانشگاه‌های کمتر برخوردار، تأمل بیشتری کرد. از این‌رو، پیشنهاد می‌شود که کیفیت زندگی دانشگاهی دانشجویان در ابعاد عوامل آموزشی، اعضای هیئت علمی، عوامل اجتماعی-فرهنگی، امکانات و تسهیلات رفاهی، تفریحی، بهداشتی و تغذیه‌ای، کالبد و فضای عمومی پردیس‌های دانشگاهی، رشد فردی و آینده شغلی، وضعیت اقامت دانشجویی با دقت رصد شده و به‌طور مستمر ارتقا یابد. لازم است متولیان حکمرانی آموزش عالی در سطوح کلان و

خرد با مسئولیت‌پذیری بیشتری به زندگی دانشگاهی و رضایت دانشجویان از زندگی تحصیلی در ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، تمرکز نمایند.

فهرست منابع:

- آراسته، حمیدرضا (۱۳۸۱)، خوابگاه‌های دانشجویی، به‌مثابه جوامع یادگیرنده، همایش سراسری خوابگاه‌های دانشجویی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی. اسفند ۱۳۸۱.
- برهمنی، گلشن (۱۳۷۸)، بررسی کیفیت زندگی آسیب دیدگان بمباران شیمیایی سردشت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.
- توسلی، غلام عباس (۱۳۷۴)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، سمت.
- سلطانی، رضا و دیگران (۱۳۸۹)، بررسی کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه گیلان، مجله دانشگاه علوم پزشکی گیلان، دوره نوزدهم، شماره ۷۵.
- شیبا، شوجی و همکاران (۱۳۸۰)، رویکرد نوین مدیریت کیفیت جامع در آمریکا، ترجمه دکتر محمد اقدسی، آموزش سایکو.
- شیخی، محمد تقی (۱۳۸۹)، بررسی جمعه شناختی کیفیت زندگی دانشجویان/ جوانان شهر تهران، فصلنامه جمعیت، شماره ۷۴-۷۳: ۸۴-۶۳.
- صادقی، زینب (۱۳۹۲)، ارتباط خدمات آموزشی و رضایتمندی دانشجویان فنی - مهندسی از نظام آموزش عالی، فصلنامه آموزش مهندسی ایران، شماره ۵۹: ۳۷-۲۵.
- صالحی عمران و دیگران (۱۳۸۹)، بررسی سیاست پذیرش دانشجوی بومی در دانشگاه‌های ایران، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، آینده نگری، کارآفرینی و صنعت در آموزش عالی، سندج: ۵۶-۴۳.
- غفاری، غلامرضا، امیدی، رضا (۱۳۸۸)، کیفیت زندگی: شاخص توسعه اجتماعی، تهران: شیرازه.
- فلاحی، لیلا (۱۳۹۲)، بررسی کیفیت زندگی دانشجویان، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، شماره ۲۳: ۱۷۲-۱۵۱.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴)، مسائل محوری در نظریه اجتماعی، ترجمه دکتر محمد رضایی، انتشارات سعادت.
- محمدی، الهام و همکاران (۱۳۹۱)، بررسی ارتباط کیفیت خواب و سلامت روان در دانشجویان ساکن خوابگاه، فصلنامه دانش و تندرستی، دوره ۷، شماره ۳: ۱۱۷-۱۱۳.
- معارفوند، زهرا (۱۳۹۲)، طرح پژوهشی ارزیابی کیفیت زندگی تحصیلی دانشجویان داخلی و خارجی دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- مکوندی، سمیه و زمانی، مریم (۱۳۹۰)، بررسی کیفیت زندگی و ابعاد آن در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی اهواز، فصلنامه علمی پژوهشی جنتا‌شاپیر، دوره دوم، شماره ۴: ۲۰۰۱-۱۹۲.
- یمنی دوزی سرخابی، محمد (۱۳۹۱)، کیفیت در آموزش عالی، تهران، سمت.

- Benjamin, M. (1994), the quality of student life: toward a coherent conceptualization, *Social Indicators Research* 31, 205–264.
- Birnbaum, R. (1994), The Quality Cube: How College presidents assess excellence, *Higher Education Management J.*, Vol.9, No. 3: 71-82.
- Doyal, L. and Gough, I. (1991). A Theory of Human Need, Macmillan
- Shiba, S. et al. (1993), A new American TQM : four practical revolution in management, Center for quality of management.
- Sirgy, M. J., Rahtz, D., Cicic, M., & Underwood, R. (2000), A method for assessing residents' satisfaction with community-based services: A quality-of-life perspective. *Social Indicators Research*, 49, 279–316.
- Sirgy, M. J. and Cornwell, T. (2001), "Further validation of the Sirgy et al.'s measure of community quality of life". *Social Indicators Research*, Vol. 56, No. 2, pp. 125-143.
- Sirgy, M. J. et al (2002), "A method for assessing residential satisfaction with community- based service: A quality of life perspective", *Social Indicators Research*, Vol. 49, pp: 279-316.
- Sirgy, M. J., Grzeskowiak S. and Rahtz, D.(2007), Quality of College Life(QCL) of Students: Developing and Validating a Measure of Well-being. *social indicators research* 80: 343–360.
- Sirgy, M. J., Widgery, R. N., Lee, D.-J., & Grace, B. Y. (2010). Developing a measure of community well-being based on perceptions of impact in various life domains, *Social Indicators Research*, 96(2), 295-311. DOI 10.1007/s11205-010-9587-6.
- Yu Dong-Jin Lee, Graceg, Hee (2008), A Model of Quality of College Life (QCL) of Students in Korea. *Soc Indic Res* (2008) 87:269–285.